

دیپلماسی زیارت و مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری

ناصر پورحسن^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی نقش دیپلماسی زیارت در مقابله با جریان سلفی تکفیری است که طی سال‌های اخیر در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه و محیط امنیتی جمهوری اسلامی چالش‌آفرین شده است. بر این مبنا پرسش اصلی مقاله این‌گونه مطرح شده است که دیپلماسی زیارت چگونه می‌تواند با جریان سلفی تکفیری مقابله کند؟ نخستین پاسخی که به پرسش مذکور داده شده این است که: «جمهوری اسلامی به دلیل موقعیت حساس هویتی و جغرافیایی، می‌تواند با استفاده از دیپلماسی زیارت، نوعی همبستگی میان شیعیان جهان برای مقابله با جریان سلفی تکفیری ایجاد کند.» جریان تکفیری‌گری، به‌رغم تضعیف برخی مصادیق و گروه‌های مروج آن همچون داعش، بر اساس بستر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن در برخی کشورهای منطقه از جمله محیط پیرامونی جمهوری اسلامی و نیز مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بازتولید خواهد شد و از نظر هویتی و امنیتی برای کشورهای اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی تهدیدهای مهمی را در پی خواهد داشت. این مقاله با روشی توصیفی تحلیلی، برخی شیوه‌های نوین مقابله با جریان مذکور را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی زیارت، شیعه، جمهوری اسلامی، عتبات عالیات، جریان سلفی تکفیری

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آیت‌الله بروجردی

مقدمه

از اوایل سال ۲۰۱۱ دو جریان مخالف در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد شده است. از یک سو، گروه‌های سلفی تکفیری در بخش گسترده‌ای از منطقه، به‌ویژه عراق و سوریه، به‌شدت فعال شدند؛ به‌گونه‌ای که گروه تکفیری داعش از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ شبه‌دولتی با مرکزیت موصل در عراق و رقه در سوریه ایجاد کرد. افزون بر آن ده‌ها گروه تکفیری دیگر در سوریه و سایر کشورهای منطقه فعال شدند و دامنه عملیات و اقدامات آنها به قاره‌های دیگر نیز کشیده شد. یکی از اقدامات برجسته گروه‌های تکفیری، حمله به اماکن مقدس شیعیان و عتبات عالیات بوده است. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، سفر شیعیان کشورهای مختلف به عتبات عالیات، به‌ویژه برای برگزاری مراسم اربعین حسینی، به پدیده‌ای نوظهور و بسیار قابل‌توجه برای جهانیان تبدیل شده است. در حالی که اقدامات گروه‌های تکفیری، مایه گسترش خشونت و افراطی‌گری و تفرقه در کشورهای اسلامی شده، عتبات به کانون همگرایی شیعیان تبدیل شده است. با توجه به اهمیت توسل به ائمه و زیارت عتبات عالیات در فرهنگ شیعه، دیپلماسی جمهوری اسلامی با مأموریت جدیدی روبرو شده که مسئله اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که دیپلماسی زیارت چگونه می‌تواند با جریان سلفی تکفیری مقابله کند؟ پاسخ اولیه به این پرسش این است که: «جمهوری اسلامی به دلیل موقعیت حساس هویتی و جغرافیایی خود می‌تواند با بهره‌گیری از دیپلماسی زیارت نوعی همبستگی میان شیعیان جهان برای مقابله با جریان سلفی تکفیری ایجاد کند.»

با توجه به اینکه سلفیگری تکفیری، جریان‌ی است که به‌رغم تضعیف برخی گروه‌های مروج آن همچون داعش، دارای بستر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در برخی کشورهای منطقه، از جمله محیط پیرامونی جمهوری اسلامی است، بازتولید خواهد شد و برای کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی تهدیدهای هویتی و امنیتی مهمی در پی خواهد داشت؛ از این‌رو بایسته است پژوهش‌های علمی دقیقی درباره آن انجام شود. همچنین با توجه به جنگ نیابتی و مستقیم تکفیری‌ها و افزایش سفرهای زیارتی شیعیان به عتبات عالیات و اماکن متبرکه و مقدسه در ایران (مشهد، قم، شیراز) و راهپیمایی چندمیلیونی شیعیان در مراسم اربعین، وظیفه خطیری بر عهده دیپلماسی جمهوری اسلامی به‌عنوان ام‌القرای شیعه قرار گرفته است.

پیشینه موضوع

درباره گروه‌های تکفیری پژوهش‌های بسیار مختلفی انجام شده است؛ ولی پژوهش‌ها درباره دیپلماسی زیارت از نظر کمی و کیفی بسیار ضعیف است، تا چه رسد به اینکه رابطه میان این دو متغیر بررسی شده باشد. منیری و فلاح‌زاده (۱۳۹۴) نقش حج ابراهیمی در صدور انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند. به نظر این پژوهشگران، حج ابراهیمی با وجود موانع بالفعل بر سر راه خود، دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی در ابعاد و سطوح مختلف برای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی است و می‌توان ارزش‌های انقلاب اسلامی را از این دریچه به کشورهای مقصد انتشار داد. شیخ‌الاسلامی و شمس‌آبادی (۱۳۹۵)، ظرفیت‌های ایران از منظر دیپلماسی زیارت را بررسی کرده‌اند. آنها در پژوهش خود پس از بررسی تاریخی زیارت میان پیروان

ادیان مختلف دنیا، وجود اماکن زیارتی مانند حرم امام هشتم در مشهد، حرم حضرت معصومه (س) در قم و حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری و شاه‌چراغ در شیراز را به‌عنوان بستری برای دیپلماسی زیارت جمهوری اسلامی تحلیل کرده‌اند. پژوهش‌های مختلف دیگری نیز در این زمینه وجود دارند اما هیچ‌کدام به تأثیر دیپلماسی زیارت بر مقابله با تکفیری‌گری نپرداخته است.

درباره گردشگری زیارتی، پژوهش‌های بسیار متعددی انجام شده که بخش عمده آنها به گردشگری در شهرهای زیارتی ایران مانند مشهد و شیراز متمرکز شده‌اند. برای مثال در یکی از این پژوهش‌ها به تأثیر زیارت بر گردشگران زن اماکن متبرکه شهر شیراز پرداخته است. یافته‌های پژوهشگران در این پژوهش بیانگر آن است که سفر زیارتی افزون بر اینکه سفری بیرونی است، می‌تواند سفری درونی باشد و تعاملاتی فردی، میان فردی و فرا مادی برقرار کند و در فضایی مملو از عاطفه دینی و فارغ از هرگونه تعلق و روزمرگی مایه اتصال و نزدیکی فیزیکی و قلبی گردد و در نهایت به معنایابی و جستجوی خود حقیقی بیانجامد. به تعبیر دیگر زیارت به زائر کمک می‌کند تا به چشم‌اندازی درونی دست یابد و به سفری فراتر از زمان و مکان برود. در واقع چنین سفری فرصتی مغتنم برای زنان است تا از کارهای روزمره جدا شوند و به کنکاشی عمیق بپردازند و گمشده‌های درونی خود را بیابند. (معاون، موحد و طبیعی، ۱۳۹۶: ۱-۳۲)

در پژوهش دیگری، گردشگری مذهبی در اسلام ریشه‌یابی شده و تبدیل آن به صنعتی پررونق در کشورهای مختلف اسلامی از جمله عربستان و مصر تحلیل شده است. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش این است که جمهوری اسلامی این توانایی را

دارد که با افزایش ظرفیت‌های گردشگری مذهبی، آن را به صنعت مهمی تبدیل کند تا بر بخشی از آسیب‌های اقتصاد تک‌محصولی غلبه کند. (آقاجانی و فراهانی، ۱۳۹۴: ۴۳-۶۶)

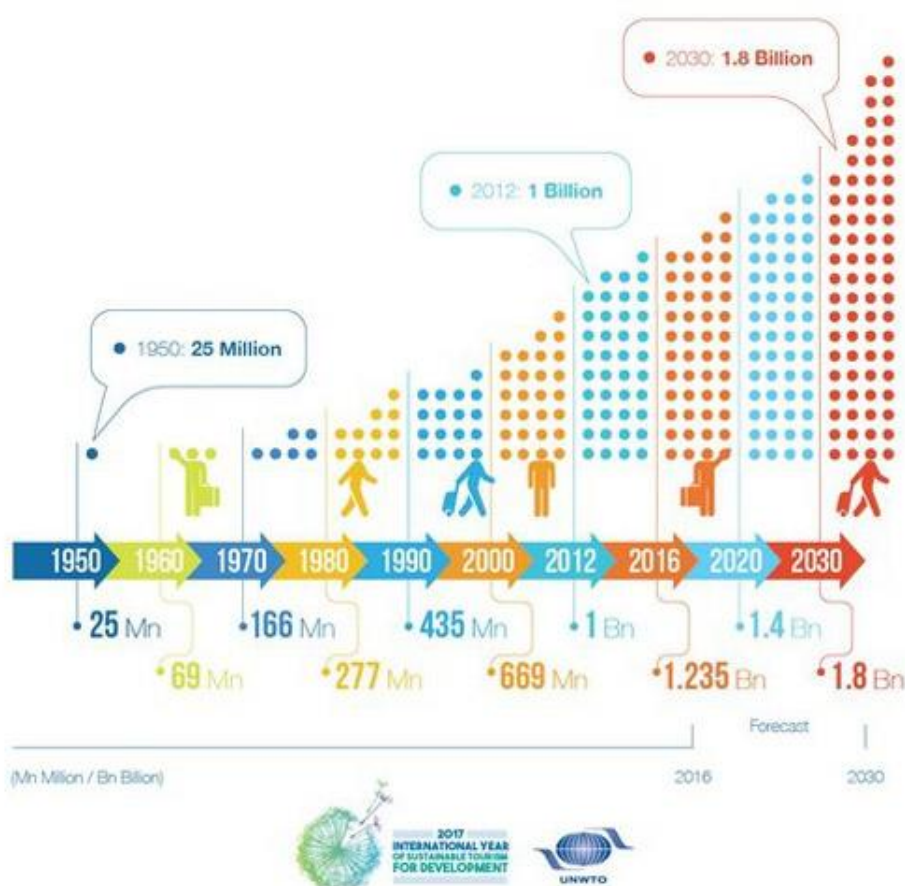
چند پژوهشگر با تفاوت قائل شدن میان گردشگر مذهبی و زائر، گونه‌های مختلف گردشگری و وجوه مختلف آن را از منظر اقتصادی و روان‌شناختی بررسی کرده‌اند. به نظر آنها گردشگری مذهبی با زائر متفاوت است؛ زیرا ممکن است برخی گردشگران تعلق مذهبی خاصی به اماکن مذهبی نداشته باشند و صرفاً از منظر گردشگری سفر کنند؛ بنابراین با زائرانی که اعتقادات قلبی دارند، متفاوت‌اند. گردشگر مذهبی به گردشگری اطلاق می‌شود که انگیزه او به زیارت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند انگیزه‌های دیگری همچون بازدید از مکان‌های غیرمذهبی و تفریحی داشته باشد. ممکن است سفر به مناطق مذهبی دلایل فراوانی داشته باشد و اعتقادات مذهبی بخش کوچک یا بزرگی از این دلایل را تشکیل دهد و کنجکاوی انگیزه دیگری برای سفر به این مناطق باشد. (شفیعا، فیروزی و غلامی: ۱۳۹۶)

۱- چارچوب مفهومی؛ دیپلماسی زیارت

امروزه موضوع گردشگری و تبدیل آن به صنعتی پررونق، در دستورکار بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته است. تعداد گردشگران نسبت به سال گذشته ۶/۸ درصد رشد داشت و در سال ۲۰۱۷ به بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر رسیده است. ((UNWTO, Yearbook: 2018)) نمودار گردشگری جهانی از سال ۱۹۵۰ تا چشم‌انداز ۲۰۳۰ نشان دهنده رشد چشمگیر این صنعت بزرگ در نزدیک به ۷۰ سال اخیر دارد. در سال ۱۹۵۰ شمار گردشگران بین‌المللی تنها به ۲۵ میلیون نفر می‌رسید

که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۱/۸ میلیارد نفر برسد. (در شکل شماره یک) ایران نه تنها از لحاظ جاذبه‌های مختلف فرهنگی و تاریخی؛ بلکه از لحاظ مذهبی و زیارت نیز دارای ظرفیت ویژه‌ای است که می‌تواند موضوع دیپلماسی زیارت باشد.

INTERNATIONAL TOURIST ARRIVALS 1950 - 2030



(شکل شماره یک) روند رشد گردشگری بین‌الملل از سال ۱۹۵۰ تا چشم‌انداز ۲۰۳۰

با توجه به تغییرات گسترده و پیچیده شدن تحولات جهان، بسیاری از مفاهیم متحول شده‌اند. در این میان «دیپلماسی» به‌گونه‌ای متحول شده که به ده‌ها پیشوند و پسوند متصف شده است. برای نمونه می‌توان به مواردی چون: دیپلماسی انرژی، دیپلماسی اجبار، دیپلماسی علمی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی غیرحکومتی^۲، دیپلماسی خط دو^۳، دیپلماسی زیست‌محیطی و پارادیپلماسی اشاره کرد. (پورحسن و خالقی: ۱۳۹۶) «دیپلماسی زیارت»^۴ نیز از مفاهیم جدید است که به ادبیات سیاسی و بین‌المللی اضافه شده است. اگرچه سابقه زیارت به قدمت پیدایش ادیان و مذاهب بازمی‌گردد؛ ولی دیپلماسی زیارت مفهوم جدیدی است. زیارت سفری مذهبی است که با انگیزه‌های دینی انجام می‌شود و در آن برای دستیابی به آرامش روحی و معنوی به اماکنی می‌روند که بر اساس آموزه‌های دینی مقدس شناخته می‌شوند. (شیخ‌الاسلامی، شمس آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴۶) اگرچه برخی معتقدند که زیارت در مباحث دیپلماتیک جایگاهی ندارد و نباید مذهب را با سیاست در هم آمیخت؛ ولی واقعیت این است که زیارت برای همه ادیان به‌ویژه مسلمانان و شیعیان دارای وجوه سیاسی است و به‌عنوان یکی از شیوه‌های مهم برای صلح‌سازی (cIntosh, 2017: 3) موردتوجه پژوهشگران و سیاستمداران قرار گرفته است. بیت‌المقدس، مکه مکرمه، مدینه منوره، لهاسا، مدرس (در هند) و فاطیما در پرتغال مهم‌ترین اماکن دینی هستند که برای یهودیان، مسیحیان، مسلمانان و هندوها قابل احترام‌اند و همواره زیارت این اماکن موردتوجه افراد معتقد در این ادیان بوده

^۲. Non-governmental Diplomacy

^۳. Track II Diplomacy

^۴. Pilgrimage Diplomacy.

است. این در حالی است که افراطی‌گری، زیارت را به ابزاری برای ایجاد تنفر و تضاد تبدیل می‌کند. نوع دوستی دینی و مذهبی می‌تواند زیارت را به تجلی‌گاه انسان دوستی و صلح تبدیل کند. در دنیایی که به خاطر اختلافات مذهبی از هم گسیخته شده و با مرزهای تمدنی نشانه‌گذاری شده، زیارت ظرفیت ویژه‌ای برای ارتقای تساهل و فهم متقابل انسان‌ها دارد. همان‌گونه که جرج گرینیا (George Greenia) گفته است: زیارت، گردهمایی عمومی نوع بشر است که تجمعاتی با کمترین میزان خشونت را سازماندهی می‌کند. (McIntosh, 2017: 6)

نخستین بار مفهوم دیپلماسی زیارت برای توصیف یک اقدام دینی دیپلماتیک در روابط هند و پاکستان به کار گرفته شد؛ دو کشوری که طی هفت دهه پس از استقلال، همواره در ستیز بوده‌اند. با توجه به اینکه سفر مقامات هند و پاکستان به کشورهای یکدیگر پیامدهای داخلی مهمی دارد، در نتیجه سفر رسمی مقامات دو کشور به ندرت و به سختی انجام می‌شود. با این حال مقامات پاکستان می‌توانند با بهره‌گیری از فرصت حج و زیارت «درگاه شریف» بدون دعوت رسمی به هند سفر کنند. در سال ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور پاکستان برای زیارت آرامگاه «[خواجه معین‌الدین چشتی](#)» عازم درگاه «اجمیر شریف» یکی از زیارتگاه‌های مهم [هند](#) شد. این شیوه سفر را «[بی نظیر بوتو](#)» نخست‌وزیر فقید و [اسبق پاکستان](#) پایه‌گذاری کرد. اگرچه [آصف‌علی زرداری](#) با هدف زیارت «[اجمیر شریف](#)» راهی هند شده بود؛ ولی با «[مانموهان سینگ](#)» نخست‌وزیر هند نیز دیدار کرد و در ناهار رسمی با مقامات سیاسی و امنیتی هند مذاکراتی داشت؛ که از آن با نام دیپلماسی زیارت یا دیپلماسی درگاه یاد می‌شود. بنابراین «دیپلماسی زیارت» یا «دیپلماسی درگاه» یا «دیپلماسی ترحیم» یا «دیپلماسی

مسجد» اصطلاحاتی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که برای توصیف دیدارهای غیررسمی مقامات رسمی کشورهایی که با یکدیگر روابط سرد سیاسی دارند به کار می‌رود. (ویکی‌پدیا: بی‌تا) علاوه بر پاکستان بسیاری از کشورهای دیگر نیز با اهداف متفاوتی به دیپلماسی زیارت توجه کرده‌اند. طی سال‌های اخیر دیپلماسی زیارت در دستورکار دولت هند قرار گرفته و این کشور بودائیسیم آن را به قدرت نرم خود تبدیل کرده است. «مؤدی» نخست‌وزیر هند گفته است: «ما باید بودا گایا (Bodh Gaya) را به‌عنوان مکان پرستش همه بودایی‌های دنیا به رسمیت بشناسانیم و آن را توسعه دهیم.» هند می‌کوشد با مبنا قرار دادن بودائیسیم که در دنیا بیش از ۳۰۰ میلیون پیرو دارد، روابط خود را با کشورهای همچون تایلند و ژاپن و میانمار تقویت کند و حتی از سطح تنش با چین، که رقیب دیرینه این کشور است، بکاهد. در این راستا دو کشور درباره زیارت بودایی‌ها از مرکز بزرگداشت ژیانژآنگ هال (Xuanzang Memorial Hall) به توافق‌هایی دست یافته‌اند. Scott, 2016: 140-153

با سقوط «صدام حسین» و فراهم شدن بستر لازم برای سفر زیارتی شیعیان جهان به اماکن زیارتی عراق و همچنین سفر زائران عراقی به ایران، موضوع دیپلماسی زیارت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و دوباره مطرح شده است. خاستگاه بحث «دیپلماسی زیارت» بر اساس و محور «بقاع متبرکه» است و به همین دلیل دیپلماسی زیارت با دیپلماسی مرسوم تفاوت دارد. اگرچه برخی باور دارند رابطه مستحکمی میان دیپلماسی زیارت و دیپلماسی عمومی وجود دارد (منیری و فلاح زاده: ۱۳۹۴: ۱۵۹-۱۷۸) و حتی برخی پژوهشگران دیپلماسی زیارت و گردشگری را به هم پیوند

زده‌اند (واعظ: ۱۳۹۴: ۱۸۸-۲۲۰) اما دیپلماسی زیارت، حوزه جدید و پراهمیتی در مناسبات میان کشورها به‌ویژه در خاورمیانه است و در این زمینه، زیارت شیعیان نقشی محوری دارد.

گردهمایی مقامات ارشد سیاسی یا توده مردم که نخست با هدف «زیارت» و سپس با گشایش فصل مشترکی از سیاست خارجی همراه است، می‌تواند بستری فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و حتی اقتصادی فراهم کند و به‌گونه‌ای جزو تعاریف دیپلماسی زیارت شناخته می‌شود. با توجه به اینکه در آموزه شیعه توسل و زیارت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بنابراین دیپلماسی زیارت برای مذهب تشیع از اهمیت فراوانی برخوردار است. دیپلماسی زیارت برای شیعیان تنها به عتبات محدود نمی‌شود؛ بلکه حج ابراهیمی بر مسلمانان و شیعیانی که دارای شرایط زیارت باشند، واجب است. زیارت خانه خدا و مسجد پیامبر اسلام از آرزوهای همه شیعیان است. این پژوهش به دیپلماسی زیارت نسبت به این دو مکان مقدس که اتفاقاً با توجه به سیاست‌های دولت عربستان و سیطره جریان‌های وهابی بر این اماکن، بسیار مهم به‌شمار می‌آید، پرداخته است و این موضوع باید در پژوهش جداگانه‌ای بررسی شود. این پژوهش تنها بر موضوع دیپلماسی زیارت با محوریت جمهوری اسلامی و شیعیان متمرکز می‌شود.

۲- توسل و زیارت در اندیشه و کنش سلفی‌های تکفیری

فهم دیپلماسی زیارت و کارآمدی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی منوط به شناخت دقیق اندیشه و کنش جریان سلفیگری تکفیری درباره توسل و شفاعت و

زیارت است. مخالفت تکفیری‌ها با زیارت شیعیان و تخریب اماکن زیارتی و اقدامات خشونت‌بار علیه زائران شیعه نیازمند واکاوی دلیل مخالفت آنها با توسل و شفاعت است. سلفیگری در لغت به معنای بازگشت به گذشته و تقلید از گذشتگان است و در اصطلاح به تفکری اطلاق می‌شود که آرمان خود را در پیروی از سلف صالح و بازگشت به اعمال، رفتار و اعتقادات پیامبر اسلام و صحابه و تابعین می‌داند. سلفی‌ها با استناد با برخی احادیث، قول سلف را در نبود کتاب و سنت، به‌عنوان مرجع استنباط احکام معتبر به‌شمار می‌آورند. سلفیگری تاریخی طولانی دارد و ریشه آن به زمان «امام محمد حنبل» باز می‌گردد. در قرن چهارم هجری نیز «ابو محمدحسن بن علی بن خلف بربهاری» برای احیای سلفیگری تلاش کرد؛ ولی در برابر شورش مردم کاری از پیش نبرد. (دین‌پرست، ۱۳۸۴: ۴۳) طی قرون چهارم تا ششم هجری، تعبیر «سلفیه» به‌عنوان معادلی برای اصحاب حدیث محدود می‌شد. از قرن هشتم، اصطلاح «سلفی» به‌عنوان مذهب سلف در تقابل با مذاهب شناخته‌شده در کشورهای اسلامی (اعم از مذاهب کلامی و مذاهب فقهی) شکل گرفت. (هوشنگی و پاکتچی، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۱)

قرن‌ها پس از مرگ «احمد بن حنبل»، «ابن تیمیه» عقاید حنبلی‌ها را به شکلی جدی احیا کرد و در حقیقت یکی از نقاط عطف تفکر سلفیگری، ظهور «ابن تیمیه» است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات فکری ابن تیمیه که بعدها در گسترش سلفیگری تکفیری تأثیر بسزایی داشت، بسط فوق‌العاده مفهوم «تکفیر» بود. «محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تمیمی نجدی» (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ه.ق) با الهام از اندیشه‌های «ابن تیمیه» و «ابن قیم جوزی» با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف را

بازتولید کرد و با قرائت بسیار افراطی، آن را به یک جریان فکری سیاسی تأثیرگذار تبدیل کرد. (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۷-۹۰) عبدالوهاب، عقاید و مراسم مذهبی مردم را به دیده خرافه می‌نگریست و معتقد بود که امت اسلامی از مسیر اصلی خود خارج شده و به خرافات و مراسم فاسد مبتلا شده و باید به راه درست بازگردانده شود؛ از این رو به تبلیغ عقاید خویش پرداخت و فعالیت خود را «دعوت به توحید» نام‌گذاری کرد و مصمم شد به قوم خود (مسلمانان) آشکارا بیان کند که آنها راه درست را گم کرده‌اند و از شیوه درست منحرف شده‌اند و این دیدگاه همان چیزی است که محمد بن عبدالوهاب از ابن تیمیه به ارث برده است. (حیدری مذهب، ۱۳۹۳: ۸۲)

سلفیگری تکفیری، افراطی‌ترین گونه سلفیگری است که نسبت به مسئله شفاعت و زیارت واکنشی خشن دارد. اگرچه تکفیری‌گری از عقاید ابن تیمیه و عبدالوهاب سرچشمه می‌گیرد؛ ولی تکفیری‌گری بیشتر جریانی مدرن و متأخر است. نقطه شروع و پختگی آن، ظهور «سید قطب» (۱۹۰۶ - ۱۹۶۶) است. البته افکار سید قطب به شکل قابل توجهی تحت تأثیر ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) عالم مذهبی و سیاسی پاکستان بود. «قطب» سلفیه جدید را جانشین سلفیه قدیم کرد. سید قطب نظریه پردازی بود که موضوع به کارگیری خشونت در سلفیه مدرن را تئوریزه کرد. دیدگاه وی باعث افراطی شدن بخشی از سلفی‌ها در مصر و انشعاب در جنبش اخوان المسلمین شد. «حسن الهضیبی» مرشد عام اخوان المسلمین در رساله «دعاه لا قضاة» در پاسخ به دیدگاه سید قطب در رساله «معالم فی الطریق» که استفاده از خشونت را برای سرنگونی نظام‌های ظالم و جاهل حاکم توصیه می‌کند، استدلال می‌کند که وظیفه اسلام‌گرایان، ابلاغ پیام الهی است و نه چیز دیگر. الهضیبی می‌گوید:

«وظیفه مسلمانان قضاوت درباره چگونگی ماهیت دیگران نیست، آنها باید دعوت اسلامی را ابلاغ کنند.» (احمدی، ۱۳۹۰: ۸۴) گروه‌های تندروی دیگری مانند گروه‌های وابسته به مکتب سلفی «دیوبندی» در پاکستان چنین اعتقادی دارند. «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی» و «لشکر طیبه» همگی از گروه‌های سلفی وابسته به شاخه افراطی دیوبندی هستند که شیعیان را به‌طور رسمی کافر اعلام می‌کنند و هر بار به جنایت‌های فجیعی دست می‌زنند. (علی زاده موسوی، ۱۳۹۳: ۹۶)

سلفیگری تکفیری یا نئوسلفیسم جریانی است که بر مبنای مؤلفه‌های سلفیگری سنتی و تفاسیر جدید از برخی اصول و مؤلفه‌های آن بازتولید شده است. این جریان جدید، پس از شکست دولت طالبان در افغانستان و دقیقاً در بطن جنبش بیداری اسلامی بازتولید شده است و بر اساس شرایط جدید، فعالیت خود را گسترش داده است. نئوسلفیسم به‌رغم شباهت‌های فراوان با سلفیگری سنتی، تفاوت‌های بسیاری با آن دارد. سلفیه جدید بیشتر به رادیکالیسم گرایش دارد یا حداقل به اعتبار استعداد درونی خود، چنین گرایشاتی دارد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اقدامات افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیز امروزه، با عنوان سلفیه جدید شناخته شده است. (فیرحی، ۱۳۹۰: ۷۸) وجه تمایز سلفی‌های جدید با قدیم، تعریف خاصی است که نئوسلفیان از مفهوم «بدعت» و تقابل سنت و بدعت و سرانجام گرایش به تکفیر غیرمسلمانان از مسلمانان دارند. سلفیگری تکفیری مخالفان خود را کافر به‌شمار می‌آورد. بر اساس مبنای فکری آنان، ایمان و عمل تلازم دارند. به این معنا که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبایر شود، از دین خارج شده و کافر شناخته می‌شود. در تاریخ اسلام، تنها گروه خوارج چنین عقیده‌ای داشته‌اند. خوارج،

ایمان را وابسته به عمل می‌دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج شده و واجب‌القتل تلقی می‌کردند. داعش مهم‌ترین گروه تکفیری به‌شمار می‌آید که طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ بر بخش‌هایی از سوریه و عراق سلطه داشت و هم‌اکنون نیز در مناطقی از سوریه، افغانستان و دیگر کشورها فعالیت می‌کند. در یکی از شماره‌های مجله‌النباء (از مجلات خبری و اعتقادی داعش) موضوعی با عنوان تکفیر مطرح شده که در آن، تکفیر جزء واجبات دینی و احکام شرعی معرفی شده است؛ یعنی همان گونه که نماز واجب است، تکفیر مخالفین نیز واجب است. (النباء، ۱۴۳۹: ۱۰)

اندیشه جریان سلفی تکفیری، مؤلفه‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها مخالفت با توسل و شفاعت و زیارت مسلمانان است. این موضوع را باید از ریشه تفکر دوگانه توحید و تکفیر موردنظر تکفیری‌ها تحلیل کرد. از دیدگاه سلفی‌های تکفیری، مسلمانان در جهل به سر می‌برند و آنچه آنان را به این جهل کشانده، درک نادرستشان از توحید است. اگر مردم الوهیت و وحدانیت و ربوبیت را به‌خوبی درک می‌کردند، در برابر حکومت غیرخدا کرنش نمی‌کردند و برای رفع نیازهای خود به غیر خدا پناه نمی‌بردند. (امیرخانی، پاییز ۱۳۸۹: ۱۴۳) در جریان سلفیگری، توحید و شرک دو مفهوم کلیدی است و هرچه از سلفیگری سنتی به سمت نئوسلفیسم جلوتر بیاییم، محدوده توحید تنگ‌تر و در برابر آن، گستره شرک گسترده‌تر و تعداد افرادی که مشرک خوانده می‌شوند، بیشتر می‌شود. در جهان‌بینی سلفی، توحید جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از ارکان و اصول دین تلقی می‌شود. اعلام برائت از شرک و کفر به این معناست که فرد مسلمان افزون بر پرهیز از هرگونه عقیده و عملی که به کفر و

شرک می‌انجامد، باید از کسانی که عقاید و رفتار شرک‌آمیز دارند، اعلام انزجار کند و از تعامل با آنها دوری کند؛ بنابراین بر مسلمان واجب است که کافر را شناسایی و معرفی کند و این اقدام با تکفیر انجام می‌شود. از دیدگاه سلفی‌ها به‌ویژه سلفی‌های تکفیری، مسائلی همچون شفاعت و توسل و زیارت از مهم‌ترین مصادیق شرک است؛ همان مسائلی که مبنای کنش‌های خشونت‌بار تکفیری‌ها علیه شیعیان و اماکن متبرکه زیارتی آنها می‌شود. یکی از نکات بسیار مهم در آثار ابن تیمیه، متفاوت دانستن «تکفیر مطلق» و «تکفیر معین» است. تکفیر مطلق آن است که به‌صورت مطلق به کفر بودن اعتقاد یا گفتاری که مخالف اسلام است حکم شود، بدون آنکه از شخص معینی سخن به میان آید؛ ولی تکفیر معین آن است که به دلیل مخالفت شخص یا اشخاص معینی با اسلام و انجام کاری که مخالف اسلام است، به کفر آنها حکم شود. (حیدری، ۱۳۸۸: ۹۶) ابن تیمیه به‌صراحت اعلام کرد که اگر کسی حاجتش همچون شفا دادن مریض که قدرت انجام آن تنها برای خداوند تعالی است، از شخص دیگری درخواست کند، این شرک اکبر است و باید توبه کند و گرنه کشته می‌شود. او با این رویکردش، توسل به اولیای الهی و اموات را کفر به شمار آورد و همچنین زیارت قبور، قربانی، نذر و طلب از غیر را جزء اسباب کفر دانست و از این‌رو بسیاری از مسلمانان را در دایره کفر قرار داد. (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۳)

ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه» که عمدتاً در رد اعتقادات شیعیان نگاشته است، کلیت اصل امامت را نمی‌پذیرد. وی در این اثر توسل و شفاعت و به‌ویژه زیارت شیعیان را به‌شدت موردانتقاد قرار داده است. او شیعیان را رافضی می‌خواند و درباره شیعیان ادعا می‌کند: «آنها دعا و عبادت در برابر مردگان را جایز می‌دانند، آرامگاه‌ها را

به مساجد تبدیل کرده‌اند و زیارت آنان را حجتی می‌دانند که دارای آداب و مناسک خاص خودش است و می‌گویند: آداب زیارت قبور» وی در ادعایی عجیب می‌افزاید: «از افراد مورد اعتمادی شنیده‌ام که بعضی از ایشان، زیارت آن قبور را از حج خانه خدا بزرگتر می‌شمارند! یعنی شرک ورزیدن را از عبادت خدا با ارزش‌تر می‌دانند و این بزرگترین مصداق ایمان به طاغوت است.» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۳۱)

برخلاف ابن تیمیه، عبدالوهاب در قرن سیزدهم هجری با گسترش تکفیر معین، بسیاری از مسلمانان را کافر خطاب کرد و آنها را از اصحاب دارالحرب خواند. وی در رساله «کشف الشبهات» ۲۴ بار مسلمانان غیر وهابی را مشرک خوانده و ۲۵ بار نیز آنان را با صفاتی مانند کافر، بت‌پرست، مرتد، منکر توحید، دشمن توحید، اهل باطل، شیطان، منافق و نادان خطاب کرده است. (موثقی، ۱۳۷۸: ۱۶۲) عبدالوهاب در کتاب «التوحید» که از مبانی مهم اندیشه‌ای سلفی‌های تکفیری در مخالفت با شیعیان است، به شدت مسئله شفاعت، توسل و زیارت را رد کرده و حتی ادعا می‌کند که «پیامبر درباره قبر خود هشدار داد که آن را مسجد و محل عبادت قرار ندهند» و همچنین معتقد است که «ساخت مسجد در کنار مقبره فرد مسلمان حرام است» (عبدالوهاب، ۱۳۹۲: ۸۵ و ۸۲). عبدالوهاب مانند ابن تیمیه با تفسیر ظاهری از برخی آیات قرآن، ادعا می‌کند: «رافضیان نخستین کسانی بودند که شرک را رواج دادند و روی قبرها مسجد ساختند» (عبدالوهاب، ۱۳۹۲: ۸۷) همچنین وی در این کتاب ادعا می‌کند: «دعا (یا به فریاد خواندن) عام است و استغاثه یا مدد خواستن، خاص است و جزو مصادیق دعاست؛ یعنی مدد خواستن از غیرالله، نوعی دعاست و دعا، عبادت است؛ بنابراین از آنجا که عبادت، مخصوص الله است، خواندن غیرالله یا مددخواهی

از غیرالله، شرک اکبر است.» (عبدالوهاب، ۱۳۹۲: ۶۲) عبدالوهاب شفاعت موردنظر شیعیان را نیز رد کرده و می‌گوید: «شفاعتی که مشرکان گمانش را دارند و می‌پندارند که روز قیامت در حقشان روی خواهد داد، به بیان صریح قرآن، مردود و منتفی اعلام شده است. (عبدالوهاب، ۱۳۹۲: ۷۴) نمونه‌ای از عملکرد سلفیگری سنتی در کاربست نظریات عبدالوهاب را می‌توان در کشتار کربلا و طائف در سال ۱۲۱۷ هجری قمری مشاهده کرد. (الگار، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵) در جریان حمله سپاه ۲۵ هزار نفری وهابی‌ها به کربلا بیش از ۵ هزار نفر کشته شدند. (میرزا ابوطالب اصفهانی، ۱۳۷۳: ۴۰۸) همچنین وهابی‌ها در روزی که آن را «یوم‌الهدم» خوانده بودند، بقیع را تخریب کردند و بناهای تاریخی را که به دست مسلمانان ساخته شده بود و محلی برای زیارت و نیایش مسلمانان شیعه و سنی بود، با خاک یکسان کردند.

طی سال‌های اخیر سلفی‌های تکفیری دامنه شرک را بسیار گسترده‌تر کرده‌اند. آنها حکم به تکفیر مطلق کسانی می‌دهند که اعمال عبادی همچون توسل و نذر و قربانی را در ظاهر برای غیرخدا انجام می‌دهند و از سوی دیگر حکم به تکفیر مطلق تمام کسانی می‌کنند که در ظاهر از حاکمان ظالم، اطاعت و پیروی می‌کنند و حاکمیت آنها را پذیرفته‌اند. این گسترش دایره کفر و تکفیرگرایی سبب شده تا بسیاری از سلفی‌های سنتی و اصلاحی، سلفیگری جهادی را رد کنند و اندیشه‌های آنان را به تفکرات خوارج تشبیه کنند و آن را «فتنه تکفیر در زمان حاضر» بخوانند. (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۴)

سلفی‌های جدید در کشتار غیرسلفی‌ها به‌ویژه شیعیان، به هر ابزاری متوسل می‌شوند و ترور غیرنظامیان و افراد بی‌گناه را پذیرفتنی می‌دانند و برای آن توجیه‌های شرعی

می‌تراشند. طاغوت، یعنی حکومت غیر خدا بر مردم و مخالفت با آن یکی از مؤلفه‌های سلفی‌گری جهادی است و مسلمان موظف است چنین حکومتی را نپذیرد و برای سرنگونی آن بکوشد تا با کنار زدن دولت‌های طاغوتی و لائیک، دولت اسلامی تشکیل شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

داعش در یکی از نشریه‌های خود، دیدگاه ابن‌تیمیه درباره‌ی زیارت را نقل کرده و زیارت را برابر با عبادت بت‌پرستان دانسته و یادآوری کرده است که هرکس مسلمانانی را که به زیارت قبور می‌روند، تکفیر نکند، از یهود و نصاری بدتر است. داعش در این نشریه به سخنان «محمد بن عبدالوهاب» استناد کرده و وی را احیاء کننده‌ی معارف می‌داند و به او لقب «شیخ‌المجدد» می‌دهد و با استناد به سخن عبدالوهاب، مسلمانانی را که به زیارت قبور می‌روند، مشرک خطاب می‌کند. (النباء، ۱۴۳۹: ۱۲)

گروه‌های تکفیری نه‌تنها دو حرم ائمه معصوم در سامرا را تخریب کردند؛ بلکه با هدف نابودی کامل عتبات عالیات، شبه‌دولت داعش را در عراق ایجاد کردند. افزون بر آن، در سال‌های اخیر، مراسم بزرگداشت میلاد خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) را در کشورهای همچون پاکستان و افغانستان به خاک‌وخون کشیدند و در سال ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی حمله کردند.

۳- دیپلماسی زیارت و مقابله با سلفی‌گری تکفیری

در حالی که طی سال‌های اخیر، اندیشه‌ی سلفی تکفیری کنش‌های خشونت‌آمیزی علیه مسلمانان ناهمسو با جریان تکفیری و به‌ویژه شیعیان در پی داشته است و برخی

اماکن متبرکه شهرهای سامرا و کاظمین مورد هدف قرار گرفته و هزاران زائر شیعه به شهادت رسیده‌اند، موج جدیدی ایجاد شده که میلیون‌ها شیعه را از سراسر کشورهای اسلامی به مکان‌های زیارتی همچون کربلا، نجف، مشهد و قم کشانده است. برخلاف اندیشه و برداشت ظاهرگرایانه تکفیری‌ها، نه‌تنها در اسلام شفاعت و توسل و زیارت وجود دارد؛ بلکه اینها اموری پسندیده‌اند و می‌توانند کارکردهای مختلفی در اتحاد جامعه اسلامی داشته باشند. سفر به مکه به‌عنوان بالاترین مکان زیارتی، آرزوی همیشگی همه مسلمانان است.

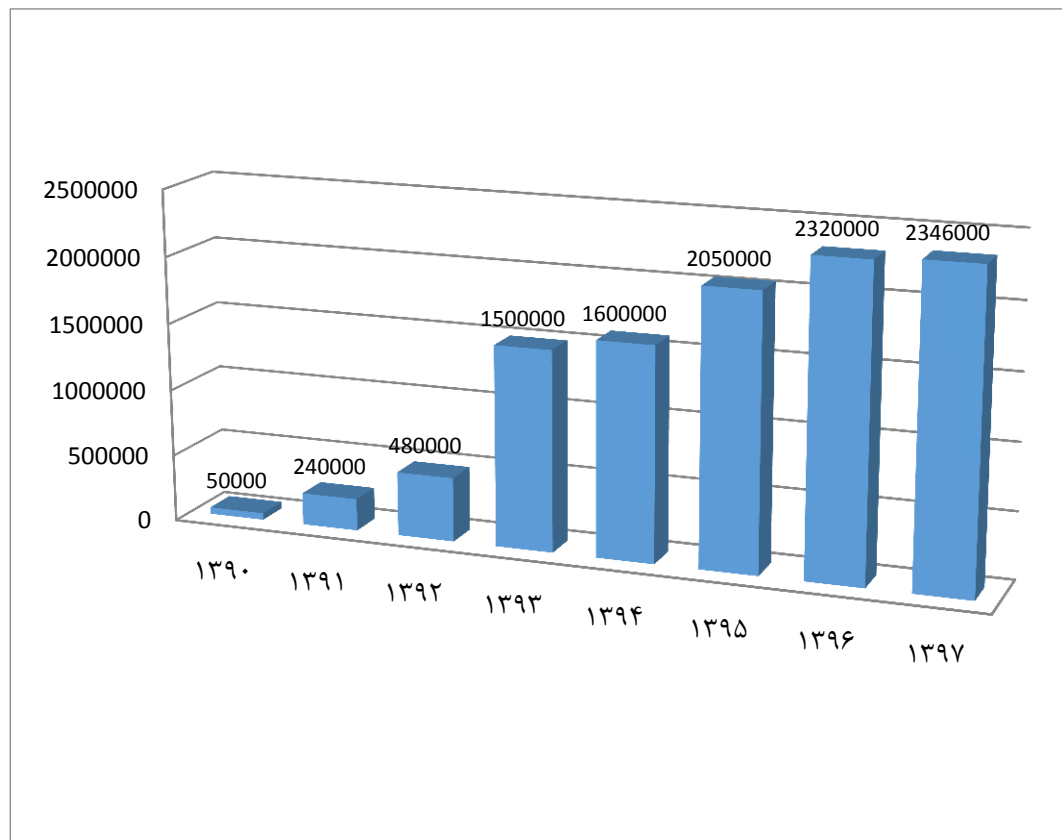
شفاعت و مشتقاتش حدود ۳۰ بار در قرآن به کار رفته است. نتیجه‌گیری صحیح از آیات شفاعت در گرو آن است که تمام آیات مربوط به آن با دقت بررسی شود و از مجموع آنها نتیجه واحدی گرفته شود. در کنار آیات قرآن، بیش از ۱۰۰ روایت در این زمینه وجود دارد که بخشی از آنها که از پیامبر گرامی (ص) نقل شده، در کتاب‌های اهل تسنن آمده است و بقیه نیز از امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او نقل شده‌اند. (استادی، ۱۳۸۹: ۱۶) آن توسلی که از دیدگاه شرع یا عقل مایه تقرب به خداوند است، به‌ویژه توسل به رسول خدا و ائمه اطهار، امری مطلوب و مستحب است. در سیره اصحاب پیامبر (ص) و تابعین و صالحان نیز موارد متعددی از توسل دیده می‌شود که بر پسندیده بودن این رفتار نزد ایشان دلالت دارد. توسل گونه‌های مختلفی دارد. خدا فرمان می‌دهد که او را با نام‌های نیکش بخوانند، چنان‌که می‌فرماید: *وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا*؛ (اعراف/۱۸۰) خدا را نام‌های نیکی است، او را با آنها بخوانید. همچنین افراد گنهکار امت‌های پیشین، از پیامبر زمان خود درخواست کرده‌اند که در برای آنان استغفار کند. درباره برادران یوسف می‌خوانیم:

آنگاه که پرده از روی کار برافتاد، رو به یعقوب کردند و گفتند: «یا اَبانا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبِنَا اَنَا كُنَّا خَاطِئِينَ»؛ (یوسف/۹۷) پدر جان! از خدا بخواه که گناهان ما را ببخشد، ما اشتباه کردیم، یعقوب در پاسخ گفت: «سوف أستغفر لكم ربِّي انه هو الغفور الرحيم»، (یوسف/۹۸) من از خدا خواهم خواست که گناهان شما را ببخشد، او بخشاینده و مهربان است.

زیارت کربلا در تاریخ اسلام سابقه‌ای طولانی دارد و رواج گسترده آن در دوران امام صادق (ع) واقع شده است؛ اگرچه ظاهراً جابر بن عبدالله انصاری و امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) با فاصله اندکی بعد از شهادت امام حسین (ع) آغاز کننده زیارت ایشان بودند و شخصیت‌هایی همچون امام باقر (ع) و زید بن علی (ع) نیز ترویج کننده آن بودند، ولی امام صادق (علیه‌السلام) عموم اصحاب خویش را به زیارت مستمر قبر امام حسین (علیه‌السلام) سفارش می‌کرد و حتی به اصحاب خویش تأکید می‌کرد که در صورت فوت شدن حج، به زیارت کربلا بروند. (خانی و مهرش، ۱۳۹۴: ۶)

در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت توسل و شفاعت، موضوع زیارت به مسئله مهمی برای شیعیان تبدیل شده است. زیارت در میان شیعیان به صورت فردی انجام می‌شد و به جز مناسک حج تمتع که باید به صورت جمعی و هم‌زمان در موسم خاصی برگزار شود، مناسک زیارتی با این حجم جمعیت و به‌طور هم‌زمان در میان ایرانیان ناشناخته بود؛ حتی با اینکه سفر به عتبات عالیات پس از سقوط صدام (سال ۱۳۸۲) برای ایرانیان امکان‌پذیر شد، تا پیش از سال ۱۳۸۵ کمتر کسی در ایران نام «پیاده‌روی اربعین» را به‌عنوان شکلی از زیارت شنیده بود؛ (رضوی‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۹۷) ولی پس از سقوط صدام، به تدریج شرایط زیارت عتبات عالیات برای همه شیعیان فراهم شد.

ایرانیان نیز که به دلیل خصومت رژیم بعث با ایران و محدودیت‌هایی که علیه شیعیان اعمال می‌کرد، ارتباطشان با عراق قطع شده بود، فرصت را غنیمت شمردند و راهی زیارت عتبات عالیات شدند و اختلافات ایدئولوژیک میان ایران و عراق در دوران حاکمیت رژیم بعث بر عراق به همسویی ایدئولوژیک و ایجاد و تثبیت مرز نرم میان شیعیان ایران و عراق تبدیل شد. شیعیان پس از سقوط صدام مشتاقانه راهی عتبات عالیه شدند و حتی ناامنی‌های شدید عراق تحت اشغال نیز از زائران ایرانی جلوگیری نکرد. با گسترش تکفیرگری، موضوع زیارت اهمیت بیشتری یافت. هرچقدر تهدید گروه‌های تکفیری بیشتر می‌شد، بر تعداد زائران عتبات نیز افزوده می‌شد. در چنین شرایطی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی اهمیت فراوانی یافت. برآورد دقیق از تعداد زائرین اربعین امکان‌پذیر نیست و آمارهای متفاوتی اعلام می‌شود. خبرگزاری تسنیم تعداد زائران در سال ۱۳۹۷ را بیش از ۲۰ میلیون نفر اعلام کرد که ۴ میلیون آنها از ۵۰ کشور دیگر وارد عراق شده بودند. (خبرگزاری تسنیم: ۱۳۹۷) بر اساس اعلام نماینده آیت‌الله سیستانی که هر سال در خطبه‌های نماز جمعه کربلا تعداد زائرین را اعلام می‌کند، آمار نهایی زائران اربعین در سال ۱۴۴۰ هجری قمری (۱۳۹۷)، ۱۵ میلیون و ۳۲۲ هزار نفر بود. این رقم در سال گذشته، ۱۴ میلیون نفر بود. (شبکه العالم: ۱۳۹۷) تعداد زائران ایرانی مراسم اربعین از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ به ترتیب ۵۰ هزار، ۲۴۰ هزار، ۴۸۰ هزار، ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار، ۱ میلیون ۶۰۰ هزار، ۲ میلیون ۵۰ هزار، ۲ میلیون ۳۲۰ هزار (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۶) و ۲ میلیون ۳۴۶ هزار نفر بوده است. (خبرگزاری ایسنا: ۱۳۹۷) حضور زائران حسینی در مراسم پیاده‌روی اربعین آن‌چنان که در نمودار شماره یک آمده، رو به گسترش است.



نمودار شماره یک، روند افزایشی زائرین مراسم اربعین

در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی، موکب‌های ایرانی در کنار موکب‌های عراقی به زائران خدمت‌رسانی می‌کنند. پذیرایی شیعیان عراقی از زائران به‌ویژه ایرانی‌ها به‌گونه‌ای است که تمامی مناسبات نظام و ستفالیایی را از بین برده است. در مراسم پیاده‌روی اربعین، نه مرزهای سخت میان عراق و ایران معنا دارد و نه مناسبات

اقتصادی معمولی. میزبانان عراقی از زائران درخواست می‌کنند که در خانه‌های آنها سکنی‌گزینند و از آنان در حد اعلا پذیرایی می‌کنند.

از دیدگاه شیعیان، کربلا چنان قداستی دارد که حتی مرزهای ملی نیز نمی‌تواند حائلی در برابر دوستداران آن باشد. حضور میلیونی بی‌سابقه شیعیان در مراسم اربعین حسینی که بزرگ‌ترین مراسم مذهبی فراملی جهان است، از این دیدگاه قابل تحلیل است. اهمیت حفظ امنیت اماکن مقدس عتبات که از دیدگاه تکفیری‌ها از مصادیق شرک به‌شمار می‌آیند، برای شیعیان تا حدی است که جمهوری اسلامی ایران با رویکردی پسا وستفالیایی، امنیت برگزاری مراسم اربعین را بر عهده می‌گیرد (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۸). با توجه به اهمیت زیارت از دیدگاه شیعیان، دیپلماسی زیارت می‌تواند راهبرد مناسبی برای مقابله با جریان تکفیری‌گری باشد. در زیر به دلایل این موضوع اشاره می‌شود:

۱- جریان سلفی تکفیری با اقدامات خشونت‌بار خود، تصویر بسیار زشتی از اسلام را در دنیا ترسیم کرده است. رسانه‌های غربی با برجسته‌نمایی هدفمند اقدامات گروه‌های تکفیری و به‌ویژه به‌کارگیری عناوینی همچون «دولت اسلامی» به‌جای داعش، این گروه تکفیری را همسان با کلیت اسلام معرفی کرده‌اند. دیپلماسی زیارت می‌تواند با آسان‌سازی سفرهای زیارتی شیعیان و حتی دیگر مذاهب و ادیان به عتبات عالیات عراق و اماکن مذهبی ایران، تصویری متناسب با ذات واقعی اسلام و رحمانیت و نوع‌دوستی آن ارائه کند و بر روند اسلام‌هراسی غلبه کند.

۲- در برابر اقدامات تضادآفرینی که به نام دین انجام می‌شود، دیپلماسی زیارت می‌تواند وحدت‌آفرین باشد. در حالی که تکفیری‌ها با دگرسازی شیعیان، مایه تضاد و به تبع آن کشتار درون دینی شده‌اند، گسترش سفرهای زیارتی می‌تواند به همدلی مسلمانان غیر تکفیری بیانجامد و نوعی اتحاد در کشورهای اسلامی ایجاد کند.

۳- انقلاب اسلامی، انقلابی شیعی و اسلامی و انسانی است. این انقلاب صرفاً برای رستگاری سیاسی شیعیان ایجاد نشده؛ بلکه اهداف و مسئولیت‌های والایی برای مسلمانان در نظر دارد. دیپلماسی زیارت یکی از مناسب‌ترین شیوه‌ها برای صدور انقلاب اسلامی است. تجمع میلیونی شیعیان کشورهای مختلف در اربعین حسینی، فرصت مناسبی برای انقلاب اسلامی فراهم می‌کند تا اهداف و آرمان‌های الهی و انسانی خود را گسترش دهد.

۴- ایران و عراق از لحاظ مذهب با یکدیگر مشترکند. بیشترین جمعیت شیعیان جهان را شیعیان این دو کشور تشکیل می‌دهند. در چهار شهر کربلا، نجف، کاظمین و سامرا قبور مطهر شش امام معصوم قرار دارد. افزون بر آن، قبور اصحاب وفادار امام حسین (ع) در جای‌جای عراق پراکنده هستند و نیز سرداب غیبت امام عصر (عج) در این کشور واقع شده است. ایران نیز با داشتن بیشترین جمعیت شیعه جهان، دارای دولتی شیعی است و بارگاه مطهر امام هشتم شیعیان و ده‌ها امامزاده معصوم در آن قرار دارد. به‌رغم این همه ویژگی مشترک، ایران و عراق که دو بال جامعه شیعه هستند، به دلایل مختلف سیاسی در دهه‌های گذشته، نه تنها دوست و متحد یکدیگر نبوده‌اند؛

بلکه طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم را رقم زده‌اند. باید کمترین دستاورد دیپلماسی زیارت، تقویت و تثبیت مناسبات دو کشور باشد. روابط حسنه دو کشور موجب می‌شود شیعیان جهان به اماکن زیارتی دو کشور سفر کنند و هویت شیعه هر چه بیشتر تقویت شود.

۵- برخی پژوهشگران زیارت را از مصادیق مهم گردشگری مذهبی تلقی می‌کنند که از دیدگاه اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی، کارکردهای بسیار مختلفی دارد. آرامش در روابط ایران و عراق می‌تواند به همکاری‌های گسترده دو کشور در زمینه‌های اقتصادی و گردشگری و فرهنگی بیانجامد. افزایش مبادلات تجاری و بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی دو کشور، سرمایه‌گذاری گسترده در دو کشور را در پی دارد. افزایش همکاری‌های تجاری فرهنگی با رویکرد کارکردگرایانه، به گسترش بیشتر مناسبات و در نتیجه بر قدرت آنها می‌افزاید و همبستگی میان آنها را افزایش می‌دهد.

۶- حضور گسترده شیعیان در اماکن متبرکه به‌ویژه کربلا و نجف و مشهد، مانور و قدرت‌نمایی شیعیان در برابر جریان‌های تکفیری است. جریان‌هایی که از راه دگرسازی شیعه به دنبال نابودی اماکن زیارتی شیعیان و اثبات خود هستند. بسیج شیعیان و حضور در مراسم همچون پیاده‌روی اربعین، نوعی بازدارندگی در برابر جریان‌های تکفیری خواهد بود. البته تجمع شیعیان صرفاً یک مانور روانی نیست؛ بلکه اندیشه‌های عاشورایی را گسترش می‌دهد و شیعیان را در مقام دفاع از آرمان‌هایشان مصمم‌تر می‌کند.

۷- دیپلماسی زیارت می‌تواند مناسبات و ستفالیایی را که تناسبی با کشورها و امت‌های اسلامی ندارد با مناسبات پساوستفالیایی تغییر دهد؛ مناسباتی که هویت‌های مذهبی کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران و عراق را در مرزهای سخت و ملی محصور نمی‌کند و ارتباطات فرامرزی را گسترش می‌دهد. این الگو را می‌توان در سایر کشورها اسلامی نیز تسری داد.

۸- دیپلماسی زیارت رابطه تنگاتنگی با قدرت نرم جمهوری اسلامی دارد. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، دیپلماسی زیارت این ظرفیت را دارد که ایران را به گذرگاه اصلی شیعیان جنوب آسیا، شبه‌قاره، آسیای مرکزی و قفقاز به عراق تبدیل کند. افزون بر آن شیعیان ایران با کشورهایی چون لبنان روابط نزدیکی دارند. دیپلماسی زیارت این توانایی را دارد که به مهم‌ترین روابض قدرت نرم جمهوری اسلامی تبدیل شود.

۹- اگرچه انقلاب اسلامی بر مبنای وحدت مسلمانان ایجاد شده است؛ ولی طی چهار دهه اخیر، به‌ویژه پس از جنبش بیداری اسلامی، عربستان سعودی در یک جنگ نیابتی و گاه آشکار در مناطق مختلف خاورمیانه در برابر جمهوری اسلامی صف‌آرایی کرده است. دیپلماسی زیارت یکی از مهم‌ترین روش‌های رویارویی با زیاده‌خواهی سعودی‌ها خواهد بود. برخی کشورهای عربی با برجسته‌سازی هویت عربی و ملی عراق، در صدد ایجاد شکاف میان شیعیان ایران و عراق هستند؛ ولی دیپلماسی زیارت می‌تواند قدرت‌طلبی منطقه‌ای عربستان و متحدین آن را ضعیف کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله نقش دیپلماسی زیارت در رویارویی با جریان سلفیگری تکفیری را بررسی می‌کند. اگرچه سلفیگری تکفیری، پدیده‌ای است که ریشه در گذشته دارد؛ ولی اخیراً در محیط امنیتی جمهوری اسلامی بازتولید شده و کنش‌های خشونت‌باری علیه شیعیان داشته است. در برابر این جریان خشن، از زیارت به‌عنوان یکی از کنش‌های شیعیان استقبال فراوانی شده است. یافته‌های حاصل از پردازش فرضیه، نشان‌دهنده آن است که دیپلماسی زیارت می‌تواند تأثیر بسیار مهمی در ارائه تصویر واقعی و مناسب از اسلام در برابر خشونت جریان تکفیری داشته باشد. افزون بر آن با توجه به موقعیت هویتی و جغرافیایی جمهوری اسلامی، دیپلماسی زیارت ظرفیت مناسبی برای صدور انقلاب و ارزش‌های والای انسانی و الهی دارد؛ ارزش‌هایی که برخلاف ارزش‌های سلفی تکفیری، با صلح و امنیت بین‌المللی ناسازگاری ندارد و کشورهایی که با خطر تکفیری‌گری روبرو هستند، باید از این ارزش‌ها استقبال کنند. همچنین دیپلماسی زیارت می‌تواند طیف گسترده‌ای از مناسبات مختلف را میان ایران و عراق بسترسازی کند و بنیان‌های مهمی برای جهان تشیع فراهم کند. این در حالی است که جریان تکفیری با دگرسازی شیعه، به ابزار قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ازم‌گسیختگی کشورهای اسلامی تبدیل شده است. دیپلماسی زیارت می‌تواند تهدیدهای تکفیری‌گری را در برابر شیعیان کاهش دهد. جمهوری اسلامی با محوریت دادن به دیپلماسی زیارت، کشورهای شیعه‌نشین را در برابر خطر تکفیری‌گری بسیج می‌کند و می‌توان این بسیج را تداوم قدرت جمهوری اسلامی تلقی کرد. دیپلماسی زیارت نه‌تنها مناسبات عاطفی میان شیعیان را تقویت خواهد کرد؛ بلکه روابط اقتصادی کشورهای منطقه را نیز مستحکم می‌کند.

منابع

- آقاجانی، معصومه؛ فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۴). گردشگری مذهبی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، شماره ۹.
- احمدبن تیمیه (۱۳۸۶). مختصر منهاج السنه، خلاصه عبدالله بن محمد الغنیمان، ترجمه اسحاق دبیری، بی جا: سایت کتابخانه عقیده.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- استادی، رضا (۱۳۸۹). شفاعت در قرآن و حدیث و بحثی درباره زیارت، قم: انتشارات مسجد جمکران.
- الگار، حامد (۱۳۸۷). وهاب‌گیری، ترجمه احمد نمایی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- النبأ (الخمیس ۲۲ محرم ۱۴۳۹). سلسله علمیه فی بیان مسائل منهجیه؛ العدد ۱۰۱، قابل دسترسی در <https://www.adyannet.com/fa/news/27875>
- پورحسن، ناصر؛ خالقی نژاد، مریم (۱۳۹۶). پارادایم‌های سلفی، تهران: سخنوران.
- حیدری مهذب، حسین (۱۳۹۳). مرور تطبیقی جریان وهابیت، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۳.
- حیدری، محمدشریف (۱۳۸۸). سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی، محمدشریف حیدری، فصلنامه طلوع، سال هشتم، شماره ۲۸.
- خانی، حامد؛ مهرش، فرهنگ (۱۳۹۴). مفهوم زیارت و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی، راسخون.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷). عراق؛ اربعین باشکوه امسال به‌روایت آمار؛ مشارکت ۲۰ میلیون زائر؛ حضور زائران از ۵۰ کشور جهان؛ قابل دسترسی در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/08/09/1865350>
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۶). آمار زائران اربعین حسینی از سال ۹۰ تا ۹۶، قابل دسترسی در <https://www.yjc.ir/fa/news/6316253/>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۷). پیاده‌روی اربعین از نگاه آمار، قابل دسترسی در <https://www.isna.ir/news/97081205810/> •
- دین‌پرست، منوچهر (۱۳۸۴). سلفی‌گری در لغت و اصطلاح، ماهنامه زمانه، شماره ۳۳.

- رضوی زاده، ندا (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیستی زائران پیاده ایران در اربعین، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره ۴.
- سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۱.
- شبکه العالم (۱۳۹۷). آمار نهایی زائران اربعین ۹۷، قابل دسترسی در <http://fa.alalam.ir/news/3870511>
- شفیعا، سعید؛ فیروزی، غزال؛ غلامی، فاطمه‌زهرا (۱۳۹۶). گردشگری مذهبی، گردشگری معنوی یا گردشگری و معنویت: بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها از طریق محتوا، دهمین اجلاس بین‌المللی اقتصاد و مدیریت، اردیبهشت، دانشگاه آزاد اسلامی رشت.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۵). چیستی دیپلماسی زیارت و ظرفیت‌های ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۱.
- علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳). سلفیگری و وهابیت، قم: نشر آوای منجی. جلد اول.
- فاطمی‌نژاد، مجید (۱۳۹۳). تأثیر افکار ابن‌تیمیه در گسترش جنایات جریان‌های تکفیری، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، جلد اول.
- فیرحی، داود (۱۳۹۰). فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران: نشر نی.
- معاون، زهرا؛ موحد، مجید؛ طبعی، منصور (۱۳۹۶). معنایی و گردشگری مذهبی، مطالعه مردم‌نگارانه، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۲۶.
- محمدبن‌عبدالوهاب (۱۳۹۲). التوحید، ترجمه اسحاق دبیری، چ ۲، بی‌جا: سایت کتابخانه عقیده.
- منیری، حمیدرضا؛ فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۹۴). حج ابراهیمی و صدور انقلاب اسلامی؛ فرصت‌ها و موانع، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
- موثقی، سید احمد (۱۳۷۸). جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
- اصفهانی، میرزا ابوطالب (۱۳۷۳). مسیر طالبی (سفرنامه میرزا ابوطالب خان)، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: چ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- واعظ، نفیسه (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سفرهای زیارتی بر سیاست‌های منطقه‌ای و روابط خارجی جمهوری اسلامی با عراق نوین، شیعه‌شناسی، شماره ۵۰.
- ویکی‌پدیا، (بی‌تا) دیپلماسی زیارت، قابل دسترسی در:

https://fa.wikipedia.org/wiki/دیپلماسی_زیارت

– هوشنگی، حسین؛ سیفی، محمود (۱۳۹۰) بنیادگرایی سلفی: مبانی مشترک سلفی، بنیادگرایی و سلفی: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به اهتمام حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- The United Nations World Tourism Organization (UNWTO) 2018. Available at:
- <http://statistics.unwto.org/content/yearbook-tourism-statistics>
- McIntosh, Ian S. (Ed by)(2017), On the Global Stage in The many voices of pilgrimage and reconciliation, Wallingford Oxfordshire; Boston, MA: CABI.
- McIntosh, Ian S. (2017), Pilgrimages and Peace-building on the Global Stage, in McIntosh, Ian, and Harman, Lesley D., (ed) The many voices of pilgrimage and reconciliation, Boston: Wallingford Oxfordshire.
- Scott, David (2016), Buddhism in Current China-India Diplomacy, in: Journal of Current Chinese Affairs, 45, 3, 139-174.